

نگاهی به وضعیت و مبارزات کارگران ماشین سازی اراک

مقدمه

در شرایطی که تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران موقتا متوقف شده، اما تهدید تجاوز خارجی همچنان جدی و نزدیک است، طبقه کارگر بیش از همیشه زیر فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. از یک سو، امپریالیست‌ها با نقشه‌های دقیق و هدفمند در پی نابودی دستاوردهای سال‌ها مبارزه کارگران و فروپاشی اجتماعی هستند. آن‌ها از هر فرصتی برای تشدید بحران‌ها و تفرقه داخلی بهره می‌برند تا جامعه را به سوی هرج و مرج، نارضایتی گسترده سوق دهند؛ از سویی دیگر، سرمایه‌داران با تأخیر در پرداخت دستمزدها و تهدید به اخراج و فشار به کارگران می‌خواهند هزینه‌های جنگ و شرایط بحرانی جامعه را بر دوش کارگران بگذارند.

در این شرایط خطرناک، مبارزه با دشمنان خارجی یک ضرورت فوری و حیاتی است؛ مبارزه‌ای که بدون اتحاد قوی، آگاهی و سازماندهی مستمر غیرممکن است. طبقه کارگر باید به عنوان نیروی اصلی جامعه، نقش پیشگام در مقابله با این تهدید را بر عهده بگیرد و نشان دهد که نه تسلیم فشارهای داخلی می‌شود و نه اجازه می‌دهد دشمنان خارجی به اهداف شوم خود برسند. در این شرایط اتحاد کارگران و مبارزه‌شان می‌تواند دولت را مجبور به حمایت از حقوق کارگران کند و سرمایه‌داران را از سوءاستفاده باز دارد.

این اتحاد و مبارزه فقط برای امروز نیست؛ بلکه آینده طبقه کارگر و جامعه را تعیین می‌کند. پرچم مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار داخلی باید همین امروز با جدیت بلند شود تا از سقوط و نابودی جلوگیری کنیم و مسیر رسیدن به جامعه‌ای بدون استثمار و بهره‌کشی را هموار کنیم. بر همین اساس به مروری بر مبارزات کارگران ماشین‌سازی اراک می‌پردازیم.

اراک شهر صنعتی بزرگی است که کارخانه‌های شناخته‌شده‌ای همچون هپکو، واگن‌پارس، آذراب و ماشین‌سازی اراک را در خود جای داده است. کمتر کسی است که نام ماشین‌سازی اراک را نشنیده باشد. در سال ۱۳۴۴ قراردادی میان ایران و شوروی بسته شد که بر اساس آن، دولت وقت شوروی متعهد شد در ازای صادرات گاز ایران به شوروی، شرکت‌های ماشین‌سازی اراک و ذوب‌آهن اصفهان را تأسیس کنند. این مجتمع در سال ۱۳۴۶ توسط کارشناسان اتحاد جماهیر شوروی در اراک تأسیس شد و در سال ۱۳۵۰ به عنوان اولین صنعت سنگین کشور به بهره‌برداری رسید.

کارخانه‌های این مجتمع از تولید مواد اولیه تا محصولات نهایی را انجام می‌دهند. و به همین دلیل، به «صنعت صنعت‌ساز» معروف شده‌اند. امروزه این مجتمع به پنج بخش تولیدی تقسیم شده که از نظر تولیدی مستقل هستند اما در بخش مدیریت مالی و نیروی انسانی، به صورت مشترک اداره می‌شوند. این پنج گروه تولیدی عبارتند از:

- گروه تولیدی ساخت تجهیزات
- گروه تولیدی متالورژی

- گروه تولیدی دیگ‌های بخار
- گروه تولیدی پل و سازه‌های فلزی
- گروه تولیدی ماشین و مونتاژ
- محصولات کارگران ماشین‌سازی اراک در حوزه‌های مختلفی تولید می‌شود، از جمله:
- صنایع نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی
- صنایع معدنی و فولاد
- تأسیسات حرارتی و دیگ‌های بخار
- ریخته‌گری آلیاژی و آهن‌گری
- نیروگاه‌ها و انرژی‌های تجدیدپذیر
- پل، سازه‌های فلزی و تأسیسات بندری

در دوره‌های مختلف، در این مجتمع بزرگ و در این صنعت صنعت‌ساز با هزاران کارگر، اعتصابات متعددی رخ داده است.

پشت پرده صنعت صنعت‌ساز

اجرای سیاست خصوصی‌سازی در دهه‌های اخیر آسیب‌های فراوانی به کارگران و خانواده‌هایشان وارد کرده است. ورشکستگی و تعطیلی تعداد زیادی از کارخانه‌ها و شرکت‌ها، بیکاری گسترده‌ی کارگران، رایج شدن قراردادهای موقت و اخراج‌های گسترده از جمله پیامدهای این سیاست بوده‌اند.

فرایند خصوصی‌سازی شرکت ماشین‌سازی از دهه ۷۰ خورشیدی آغاز شد. در سال ۱۳۸۹، این شرکت به عنوان بدهی دولت به صندوق ذخیره فرهنگیان واگذار گردید؛ ۵۰ درصد سهام به این صندوق و ۵۰ درصد دیگر همچنان در مالکیت دولت باقی ماند. بعدها این نوع واگذاری به ابزاری برای فرار مدیران مجموعه از پاسخگویی نسبت به وضعیت کارگران تبدیل شد؛ هرگاه فشار و مبارزه‌ی کارگران افزایش می‌یافت، آن‌ها ادعای دولتی بودن شرکت را مطرح می‌کردند و در مواقعی که دولتی بودن به ضررشان بود، شرکت را خصوصی معرفی می‌کردند و تابع قوانین شرکت‌های خصوصی می‌شدند.

خصوصی‌سازی بر تمامی امور شرکت و سرنوشت کارگران تأثیر عمیقی گذاشت. استخدام نیروها به صورت رسمی و قرارداد دائم متوقف شد؛ آخرین نیروهای رسمی در سال ۸۱ استخدام شده بودند و از آن زمان به بعد، نیروها عمدتاً به صورت قرارداد موقت و در دو شکل قرارداد مستقیم و پیمانکاری به کار گرفته شده‌اند.

همانند بسیاری از شرکت‌های مشابه، پس از واگذاری، پیمانکاران به مجموعه وارد شدند و بخش قابل توجهی از کارها به آن‌ها واگذار شد. کارگران پیمانکاری در کنار کارگران رسمی و قدیمی شرکت مشغول به کار شدند. در حال حاضر، چند مدل مختلف پیمانکاری و انواع استخدامی مانند ساعتی، پروژه‌ای و حجمی در این مجتمع وجود دارد. در شرکت ماشین‌سازی اراک قانونی وجود دارد که بر اساس آن، پس از سه سال کار پیمانکاری، شکل استخدام کارگر باید به قرارداد مستقیم تبدیل شود؛ اما این قانون برای بسیاری از کارگران رعایت نشده و به یکی از مطالبات اصلی آنان تبدیل شده است.

خصوصی‌سازی چه بر سر ماشین‌سازی آورد

تغییراتی که در اثر خصوصی‌سازی در شکل استخدام و قرارداد کارگران ماشین‌سازی اراک به وجود آمد، امنیت شغلی و قدرت کارگران در اتحاد و مبارزاتشان علیه کارفرما را به شدت تضعیف کرد. نتیجه‌ی این تغییرات برای کارگران، ترس از اخراج و عدم تمدید قرارداد و برای کارفرما، امکان حذف آسان‌تر کارگران مبارز و رهبران آنها بود.

نیروهای قرارداد مستقیم پایه حقوق پایینی دارند. به عنوان مثال، ممکن است دریافتی یک کارگر در ماه تا ۲۵ میلیون تومان برسد، اما پایه حقوق او برابر با حداقل دستمزد وزارت کار است. این وضعیت کارگران را از بسیاری حمایت‌ها و مزایای قانونی، هم در حال حاضر و هم در آینده، محروم می‌کند.

شرایط کارگران پیمانکاری از این هم نامناسب‌تر است. حقوق این کارگر با فاصله‌ی زیادی از حقوق کارگران قرارداد مستقیم کمتر است؛ گاهی حتی کمتر از نصف. علاوه بر این، فشار کاری بیشتری نیز به این کارگران تحمیل می‌شود. تأخیر در پرداخت دستمزد یکی دیگر از مشکلات مهم کارگران پیمانکاری است. به روز شدن پرداخت‌ها از مهم‌ترین خواسته‌های آنان است. مشکل تأخیر در پرداخت دستمزدها همچنین شامل کارگران پروژه‌ای نیز می‌شود؛ مانند کارگران ماشین‌سازی اراک که در فاز ۱۴ پارس جنوبی فعالیت داشتند و دستمزدهایشان با تأخیر پرداخت می‌شد.

حضور پیمانکاران مختلف باعث ایجاد تنوع و اختلاف در شرایط کارگران شده است. پیش از ورود پیمانکاران، همه کارگران شرایط مشابهی داشتند و به دلیل ستم‌های مشترک، در مبارزات متحد می‌شدند. اما اکنون این اختلافات در نوع استخدام و شرایط کاری، اتحاد کارگران را با موانع جدی‌تری روبه‌رو کرده است.

یکی از اهداف ایجاد این تنوع در شکل‌های استخدام، کاهش قدرت اتحاد کارگران است؛ چرا که کارفرما با برآورده کردن خواسته‌های گروه‌های کوچک، آن‌ها را از مبارزه خارج می‌کند و به این ترتیب، قدرت کارگران اعتصابی کاهش می‌یابد. اتحاد کارگران امروزه با مسائل پیچیده‌تری مواجه است و رهبران و خود کارگران باید این شرایط جدید را در نظر بگیرند. وقتی دشمن ابزار و اسلحه‌ای جدید به کار می‌گیرد، کارگران نیز باید روش‌های مبارزه خود را متناسب با آن به‌روزرسانی کنند.

حرص و تلاش سرمایه‌داران برای کسب سود بیشتر و انباشت سرمایه، کارگران را به وضعیت دشواری می‌کشاند. سرمایه‌داران خواهان سود بالاتر هستند و این یعنی کارگران باید بیشتر کار کنند و کمتر دستمزد بگیرند. کارگران ماشین‌سازی برای به دست آوردن مطالباتشان و حفظ دستاوردهای گذشته، به مبارزه روی آورده‌اند. همان‌طور که در خبرها مشاهده می‌شود، این کارگران با وجود تنوع قراردادهای و شرایط کاری، هر بار متحدانه وارد مبارزه می‌شوند.

مبارزات و اعتصابات

در تیر ۱۳۸۳، حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کارگر ماشین‌سازی اراک وارد اعتصاب شدند. اطلاع‌رسانی رسانه‌ای درباره این اعتصاب محدود و ناقص بود، اما از اخبار موجود می‌دانیم که کارگران خواستار افزایش دستمزد و رفع تبعیض در پرداخت‌ها بودند. آن‌ها تهدید کردند در صورت عدم تحقق خواسته‌ها، به راهپیمایی در سطح شهر اراک دست خواهند زد.

اراک به عنوان شهری صنعتی، میزبان صنایع بزرگی است و کارگران صنعتی زیادی در آن مشغول به کارند. اعتصابات کارگری در اراک اغلب با حضور نیروهای انتظامی و تهدید کارگران همراه است. در ابتدا، برخورد نیروهای سرکوب نرم و محدود است، اما هرگاه کارگران مبارزه خود را جدی‌تر می‌کنند، وظیفه‌ی نیروهای سرکوب که حفاظت از منافع سرمایه‌داران است، پررنگ‌تر می‌شود. درباره اعتصاب تیر ۸۳، مدیرکل سیاسی انتظامی استان مرکزی چنین اظهار نظر کرد: «باید مطالبات و خواسته‌ها بررسی شود و به موارد قانونی سریعاً رسیدگی کنند. کارگران معتقدند تبعیض صورت گرفته و مدیریت به هر کس که خواسته امتیاز داده و به هر کس که نخواستند نداده است که این باید ریشه‌یابی شود که من فکر می‌کنم مدیریت هم بر اساس یک نظام قانونی خاص طبقه‌بندی را انجام داده و به افراد خاصی تعلق گرفته است. ما اجازه هیچ‌نوع راهپیمایی را به آن‌ها نخواهیم داد این اعتراض اگر قانونی باشد از طریق کمیسیون‌ها و مراجع قانونی مورد بررسی قرار خواهد گرفت».

بیشتر اعتصابات سال‌های گذشته مربوط به کارگران پیمانکاری این مجموعه بوده است. عمده‌ی اعتراض‌ها به تأخیر در پرداخت دستمزدها برمی‌گردد. پیمانکاران معمولاً پاسخ می‌دهند: «صورت‌حساب از طرف ما به کارفرما (ماشین‌سازی اراک) ارائه شده اما هنوز پرداخت نشده است.» ماشین‌سازی اراک نیز هرگز کارگران پیمانکاری را به عنوان نیروی خود به رسمیت نشناخته و هیچ‌گاه خود را موظف به پاسخ‌گویی به این گروه از کارگران ندیده است.

در شهریور ۱۴۰۲ بر اساس اخبار و فیلم‌های منتشر شده، حدود ۱۵۰۰ کارگر به مدت سه هفته اعتصاب کردند و کل کارخانه تعطیل شد. آن‌ها خواستار «تداوم تولید و پرداخت منظم دستمزد»، افزایش دستمزد و تبدیل وضعیت استخدامی بودند. کارگران از اعضای هیئت مدیره صندوق ذخیره فرهنگیان به عنوان سهامدار عمده ماشین‌سازی اراک خواستند «به وضعیت بگرنج کارخانه مسئولانه ورود کرده و امنیت شغلی را به کارگران بازگردانند».

جالب است بدانیم که در جلسه‌ای که در شورای تأمین استان مرکزی درباره اعتصاب کارگران برگزار شد، نماینده کارگران دعوت نشد. پس از سه هفته، درخواست افزایش دستمزد پذیرفته شد؛ در مرحله اول ۳۰۰ هزار تومان به دستمزد همه اضافه شد و قرار شد در مرحله دوم، با محاسبه شرکت، حدود ۷۰۰ هزار تا یک میلیون و اندی تومان به دستمزد افزوده شود. در نهایت، افزایش دستمزد برای همه، حتی کسانی که در اعتصاب شرکت نکرده بودند، اعمال شد. تقریباً تمامی کارگران شاغل در سالن‌های تولید در این اعتصاب حضور داشتند. کارگران پیمانکاری در اتحاد با کارگران قرارداد مستقیم در این مبارزه شرکت کردند. اکثر نیروهای دفتر فنی و مهندسان با اعتصاب همراهی نکردند و حتی مخالفت‌هایی در میان آن‌ها دیده می‌شد، هرچند در نهایت همه از نتایج مبارزه بهره‌مند شدند.

در تیرماه ۱۴۰۳، کارگران در اعتراض به عملکرد مدیریت کارخانه در اجرای تعهدات مصوب، تجمعاتی برگزار کردند. کارفرما در واکنش و به بهانه مشکل برق، کارخانه را چند روز تعطیل کرد. شورای اسلامی کار در اعتراض به این اقدام، نامه‌ای بدون مهر و امضا در فضای مجازی و کانال کارگری منتشر کرد و اعلام نمود که در صورت ادامه تعطیلی، اعضای شورا استعفا خواهند داد. کارفرما این نامه غیررسمی را به اداره کار ارسال و ادعا کرد شورای اسلامی کار استعفا داده است. از آن زمان تاکنون، این نهاد با تکلیف باقی مانده است. اعضای شورای اسلامی کار به وزارت کار نامه نوشته‌اند که استعفا نداده‌اند و به لحاظ قانونی باید مراتب استعفا را به صورت رسمی طی کنند. آن‌ها همچنین به دادستانی اراک و نمایندگان مجلس نامه زده‌اند که اقدام کارفرما غیرقانونی است، اما همچنان وضعیت شورا نامشخص است. کارفرما حتی این نهاد به ظاهر کارگری را که نمایندگان کارفرما نیز در آن حضور دارند، تحمل نکرده است.

در اتفاق دیگری در سال ۱۴۰۳، یکی از کارگران با ۵ سال سابقه، زمانی که در صفحه اینستاگرام خود از کارگران خواست برای تحقق وعده افزایش حقوق مطالبه‌گری کنند، با اتهاماتی چون «نشر اکاذیب»، «تشکیل دسته یا جمعیت برای اخلال و خرابکاری در صنایع» و «بازداشتن مردم از کسب و کار با هیاهو و جنجال» مواجه شد. این اتهامات از سوی وکیل شرکت ثبت شده اما در دادگاه رد شدند. با این حال، کارگر اخراج شد و تاکنون نتوانسته به کار خود بازگردد.

در سال ۱۴۰۴، عمده اعتراضات کارگران ماشین‌سازی اراک مربوط به عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا، عیدی و موارد عرفی مانند ماه رمضان و روز کارگر بوده است. همچنین، هزینه بیمه تکمیلی که ماهانه از حقوق کارگران کسر می‌شود، چندین ماه به شرکت بیمه پرداخت نشده و باعث بی‌اعتباری بیمه و محرومیت کارگران از خدمات درمانی شده است. اقساط بانکی نیز هرچند از حقوق کارگران کسر می‌شود، اما به بانک پرداخت نشده و موجب سوابق منفی بانکی و مشکلات مالی برای کارگران شده است. همچنین با توجه به انحلال شورای اسلامی کار به دستور مدیریت، کارگران خواستار تشکیل نهاد کارگری جدید هستند.

کارگران در چند نوبت به صورت نمادین چند ساعت دست از کار کشیده و با قاشق‌زنی در واحد غذاخوری اعتراض خود را نشان داده‌اند. اخیراً نیز بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند که در آن به مشکلات خود پرداخته، نسبت به عملکرد مدیریت کارخانه و اخراج‌های غیرقانونی اعتراض کرده و خواستار ورود نهادهای نظارتی شده‌اند.

در مقابل، شرکت طی بیانیه‌ای این ادعاها را رد کرده، وضعیت مالی مطلوب و پرداخت به موقع حقوق را تأکید کرده و مشکلات را ناشی از تأخیر کارفرمایان دانسته است. همچنین اعتراضات را حمله‌ای به اعتبار شرکت و صنعت ملی معرفی کرده و هشدار داده که انتشار این مطالب می‌تواند به اعتبار شرکت آسیب بزند. کارگران نیز در پاسخ، اظهارات شرکت را کلی‌گویی و خلاف واقع خوانده و بار دیگر به مشکلات جدی، تبعیض‌های موجود، نقض قانون کار و ناکارآمدی مدیریت منابع انسانی اشاره کرده‌اند. این تبادل بیانیه‌ها پس از جنگ ۱۲ روزه صورت گرفته است.

مشکلات همچنان پابرجاست و شرکت در پرداخت ناقص حقوق، حذف پاداش‌ها و تسهیلات رفاهی و اخراج‌های غیرقانونی کوتاهی نمی‌کند.

مبارزه کارگران ماشین‌سازی الگویی برای کارگران ایران

یکی از نکات برجسته درباره کارگران ماشین‌سازی اراک، اتحاد مثال‌زدنی آن‌ها در اعتصابات است. در اعتصاب‌هایی که در خود مجتمع برگزار می‌شود، تقریباً همه کارگران همراهی می‌کنند و تا رسیدن به نتیجه، پای اعتصاب می‌مانند. این اتحاد کامل باعث می‌شود تولید به طور کامل متوقف شود و کارگران به درستی به کارفرمایان یادآور شوند که هرچه در این مجتمع تولید می‌شود، نتیجه تلاش و کار آن‌هاست.

همان‌طور که در بخش صنعت ساز اشاره شد، نسبت نیروی کار قرارداد مستقیم به نیروی پیمانکاری در ماشین‌سازی اراک بیشتر است. این مسئله نقش مهمی در قدرت مبارزه کارگران ایفا می‌کند. کارگران قرارداد مستقیم که «قلب پنده» مبارزات کارگران ماشین‌سازی هستند، به دلیل قرارداد مستقیم با شرکت از امنیت شغلی بیشتری برخوردارند و خواسته‌های خود را شفاف‌تر مقابل کارفرما مطرح می‌کنند. جمعیت قابل توجه این گروه از کارگران نیز بر قدرت آن‌ها در مبارزه می‌افزاید.

حال اگر فرض کنیم تعداد کارگران پیمانکاری بیشتر بود، احتمالاً اتحاد آن‌ها شکننده‌تر می‌شد. کارگران پیمانکاری تحت قراردادهای متنوع و متفاوت با پیمانکاران مختلف قرار دارند و ارتباط مستقیم با شرکت اصلی ندارند. هر پیمانکار می‌تواند قراردادهای خود را به شکل متفاوتی تنظیم کند و حقوق و مزایا نیز بسته به پیمانکار متفاوت است. این اختلاف‌ها هم شروع اعتصاب را دشوارتر می‌کند و هم هنگام اعتصاب، خطرات بیشتری متوجه کارگران می‌شود؛ مثلاً اگر یک پیمانکار در حین اعتصاب خواسته‌های نیروی تحت قراردادش را برآورده کند، ممکن است آن گروه از اعتصاب خارج شوند و در نتیجه قدرت اعتصاب کاهش یابد.

اتحاد کارگران ماشین سازی اراک نشان می دهد که وجود پیمانکاران متعدد در یک مجتمع و به طور کلی در صنعت، به قدرت کارگران آسیب می زند و شرایط کاری را وخیم تر می کند. وجود و رواج پیمانکاری ها به معنای امنیت شغلی پایین تر است. این موضوع را کارگران ماشین سازی به خوبی درک کرده اند و از همین روی یکی از خواسته های اصلی شان برچیده شدن قراردادهای تامین نیروست. مبارزه علیه رواج پیمانکاری های مختلف، مثل پیمانکاران نیروی انسانی، باید بخشی از برنامه مبارزات طبقه کارگر باشد. این کارگران با تأکید بر قراردادهای مستقیم تلاش کرده اند هم در برابر گسترش پیمانکاری مقاومت کنند و هم مانع کاهش نسبت کارگران قرارداد مستقیم شوند.

نکته مهم دیگری که در مبارزات اخیر این کارگران دیده می شود، محل تجمع و شکل اعتراض است. کارگران ماشین سازی اراک در اعتصابات خود معمولاً جلوی ساختمان مدیریت تجمع می کنند و با سر دادن شعارها و اعلام خواسته هایشان اعتراض می کنند. سرمایه داران شرکت از این حرکت کارگران درس گرفته اند و پیش از اعتصابات سال ۱۴۰۲، برای مقابله با اتحاد آن ها، میان محیط کارگاه ها و ساختمان مدیریت حصار کشیده بودند. با این حال، در سال ۱۴۰۲ کارگران پشت همین حصار تجمع کردند و به سمت ساختمان مدیریت شعار دادند، که نشان دهنده اراده قوی و مقاومت آن هاست.

سخنی با کارگران ماشین سازی

پیروزی در اعتصابات نتیجه آگاهی و اتحاد کارگران است. کارفرما هر بار که با یک اعتصاب مواجه می شود، تجربه ای برای مقابله با اعتصابات بعدی کسب می کند. در ماشین سازی اراک، بیش از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کارگر در اعتصابات شرکت می کنند و مبارزه متحد آن ها الگویی ارزشمند برای سایر کارگران مجتمع های مشابه و کل کارگران ایران به شمار می رود. کارگران قرارداد مستقیم و پیمانکاری، با طرح خواسته های مشترک و اتحاد قوی، موفق شده اند تولید را فلج کنند و بخشی از مطالبات خود را به دست آورند. این اتحاد، تحمل کارفرمایان را به چالش می کشد و آن ها با تمام توان برای از بین بردن آن تلاش خواهند کرد.

در شرایطی که فشارهای ناشی از جنگ و مداخلات امپریالیستی در کنار فشارهای سرمایه داری داخلی افزایش یافته، حفظ و تقویت این اتحاد به یک ضرورت حیاتی تبدیل شده است. کارگران باید همین امروز برای حفظ این اتحاد دست به کار شوند. پیروزی های به دست آمده، فرصتی ست برای کاشتن نطفه های مبارزات و موفقیت های آینده. استفاده از تجربیات مبارزاتی گذشته و تجربه کل طبقه کارگر ایران، می تواند کارگران ماشین سازی را در مقابله با چالش های پیش رو آماده سازد.

یکی از خطرات جدی که اتحاد کارگران را تهدید می کند، افزایش قراردادهای پیمانکاری و عدم تبدیل آن ها به قرارداد مستقیم است. خواست تبدیل قراردادها به قرارداد مستقیم و حذف پیمانکاری، کلید حفظ اتحاد و قدرت مبارزه کارگران است. گرچه قاعده این است که پس از سه سال، قرارداد پیمانکاری به مستقیم تبدیل شود، اما کارفرما عمداً آن را

نادیده می‌گیرد. در محیط‌های کاری مختلف، بی‌توجهی به این مسئله باعث از دست رفتن حقوقی شده که با مبارزات طولانی به دست آمده‌اند و بازپس‌گیری آن‌ها سال‌ها به طول می‌انجامد.

کارگران ماشین‌سازی، همانند سایر کارگران ایران در شرایط کنونی، برای رسیدن به مطالباتشان و حفظ دستاوردها باید گام بعدی را بردارند و سندیکای مستقل خود را شکل دهند. این گام بزرگ نه تنها حفاظت از دستاوردهای فعلی است، بلکه موجب ارتقاء سطح آگاهی و اتحاد مبارزاتی می‌شود و الگویی قدرتمند برای سایر کارگران خواهد بود.